

تاریخ ۷.۹.۴۷
شماره ۱۶۰/۳۷۷
پیوست ۱ بزرگ



حضرت حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی رئیس محترم دیوان عدالت اداری

سلام علیکم .

به پیوست متن جوابیه شورای اسلامی شهر تهران را که هفتاد و هشتمین جلسه رسمی شورای اسلامی شهر تهران به تاریخ سه شنبه سیزده خرداد ماه سال ۱۳۷۹ قرائت و با اکثریت آرای اعضای شورا حاضر در جلسه به تصویب رسیده است را جهت استحضار ایفاد می نماید.



رحمت اله خسروی

رئیس شورای اسلامی شهر تهران

رونوشت :

- ۱- ریاست محترم جمهوری پیرو رو نوشت شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۲- ریاست محترم قوه قضائیه پیرو رو نوشت نامه شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۳- وزیر محترم کشور پیرو رو نوشت نامه شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۴- اعضای محترم شورای اسلامی شهر پیرو رو نوشت شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۵- استاندار محترم تهران پیرو رو نوشت شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۶- شهردار محترم تهران پیرو رو نوشت شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۷- فرماندار محترم تهران پیرو رو نوشت شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.
- ۸- هیئت رئیسه پیرو رو نوشت شماره ۱۶۰/۱۳۷۴۷ مورخ ۷۸/۱۲/۲۱ جهت استحضار.



بسمه تعالی

تاریخ
شماره
پیوست

حضرت حجه الاسلام المسلمین دری نجف آبادی ریاست محترم دیوان عدالت اداری سلام علیکم،

با احترام بازگشت به نامه شماره ۱۶/م ک/ ۴۱ مورخ ۶/۲/۷۹ جنابعالی با عنوان شهردار محترم تهران. به عرض عالی میرساند:

۱- نظرات جنابعالی مندرج در بند ۱ نامه بازگشتی مقرون به واقع بوده و این شورا مقرر به آنها است. به این معنی که: تعیین صلاحیت دیوان محترم عدالت اداری بر عهده دستگاه قانونگذاری است که در اجرای اصول ۱۷۰ و ۱۷۳ عمل می نماید. تفسیر اصول قانون اساسی بموجب اصل ۹۸ قانون اساسی به عهده شورای محترم نگهبان و تفسیر قوانین عادی در اجرای اصل ۷۳ همان قانون در صلاحیت مجلس محترم شورای اسلامی است. تعیین تکلیف برای مراجع قضائی به اقتضاء مورد بر عهده قانونگذار ریاست محترم قوه قضائیه است. همچنین بدیهی است که این شورا فاقد صلاحیت جهت تفسیر نظرات مقام معظم رهبری میباشد. این شورا در نامه خود متعرض هیچیک از موارد فوق نگردیده است و چنین صلاحیت هایی را برای خود قائل نشده است. این شورامعتقد است که صلاحیت های قانونی دیوان محترم عدالت اداری ناظر بر ابطال مصوبات شورا نیست. این دیدگاه مبتنی بر قانون است نه تفسیر آن و همچنین بر پایه تعیین حدود صلاحیت آن دیوان بموجب قانون ارائه گردیده است نه بر پایه نظریه شورای اسلامی شهر.

با توجه به محتویات نامه شماره ۵۳۷/ ۱۶۰ مورخ ۲۹/۱/۷۹ این شورا، مندرجات بند ۱ نامه بازگشتی و دلیل ارائه چنین استنباطی از نامه فوق الذکر برای این شورا نامعین است.

۲- هیأت محترم عمومی آن دیوان مقدمه رأی خود را محدود و منحصر در ارائه دیدگاه های شاکی نموده است، حال آنکه عرف حاکم بر آراء هیئت محترم عمومی دیوان عدالت اداری ناظر بر انعکاس دیدگاههای حقوقی شاکی و مشتکی عنه میباشد. مقدمه رأی صادره دلالت دارد بر اینکه موضوع مصوبات شورا در معرض بحث و بررسی همه جانبه قرار گرفته و (... پس از بحث های مفصل کارشناسی و حقوقی



جمهوری اسلامی ایران

شورای اسلامی شهر تهران

تاریخ

شماره

پیوست

عمومی محترم دیوان عدالت است ، نماینده این شورارا فرا می خواند و دیدگاهها و مستندات قانونی شورا را نیز استماع می نموده ، این شورا به جایگاه قانونی خود واقف می گردید . بدیهی است که چنین الزامی برای آن هیئت محترم وجود ندارد. لیکن استماع نظریات قضات محترم دیوان در مورد جایگاه مصوبات شورای اسلامی در سلسله مراتب منابع حقوقی که علی الاصول در مباحث مرتبط به رأی صادره مورد ملاحظه قرار گرفته است ، حداقل برای این شورا آموزنده بود و می توانست چراغ راه شورای اسلامی شهر تهران قرار گیرد تا منبعد رعایت شود.

۳- این شورا معتقد است که مرجع تطبیق مصوبات شورای شهر با قوانین عمومی کشور ، هیئت مرکزی حل اختلاف موضوع بند الف ماده ۷۹ قانون شورای اسلامی شهر میباشد . این دیدگاه مبتنی بر ماده ۸۰ همان قانون است . علی الاصول شورای محترم نگهبان در مقام اجرای اصل ۹۱ قانون اساسی و در جایگاه تطبیق ماده مرقوم با موازین شرع و اصول قانون اساسی ، عدم مغایرت آنرا با موازین شرع و تطابق آن با اصول قانون اساسی تأیید نموده اند . نگرش فوق نیز مبتنی بر منطق اصول قانون اساسی است نه تفسیر آنها . به این ترتیب این شورا قائل به ورود هیئت عمومی دیوان محترم عدالت اداری به مقوله ای که قانونگذار برای آن هیئت معینی تأسیس نموده ، نمی باشد. زیرا این امر به معنی تمکین در برابر تعطیل نمودن قانونی است که به ترتیب مقرر در قانون اساسی وضع شده است و این وضعیت مفهومی جز تهدید نظم حاکم بر فرایند قانونگذاری کشور ندارد. بدیهی است که چنین تهدیدی از سوی يك مرجع بلند مرتبه قضائی معقول نیست و بدیهی است که این دیدگاه تعریضی به جایگاه رفیع علمی و تجربی قضات محترم عضو هیئت عمومی دیوان عدالت اداری به شمار نمی آید . همانگونه که استحضاردارید نهادهای عمومی از شخصیت حقوقی منفک از متصدیان آن که اشخاص حقیقی اند ، برخوردار میباشند. کما اینکه تردید در کفایت قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی ، متوجه نمایندگان محترم مردم نمی شود و چنین تردیدی رایج و معمول است. به نظر این شورا نه تنها احکام ناظر بر تعارض قانون در زمان از قبیل نسخ و تخصیص موید صلاحیت قانونی (و نه علمی) هیئت محترم عمومی دیوان عدالت اداری جهت ابطال مصوبات شوراهای اسلامی نیست ، بلکه نهادهای موضوع صلاحیت های قانونی آن هیئت (ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری) با شوراهای وحدت موضوعی ندارند ، لذا احکام ناظر بر تعارض قانون در زمان در این مقوله راه ندارد.

۴- تفسیر منابع حق به مفهوم قانونی آن ، اعم از قانون اساسی یا قوانین عادی راجع به تعیین حدود صلاحیت دیوان محترم عدالت اداری ، به اشکال متعدد متصور است که يك شکل موثر آن (تفسیر



تاریخ

شماره

پیوست

قضائی که آثار محدودتری دارد، نیست. وجه تمیز این دو گونه تفسیر این است که مرجع قانونی صالح جهت تفسیر اصول قانون اساسی، محصور در منویات قوه موسس و مرجع قانونی صالح جهت تفسیر قوانین عادی، محصور در قوه مقنن و صلاحیت محاکم در تفسیر قضائی محصور در چارچوب قانون است. بدیهی است که محاکم نباید تحت پوشش تفسیر قضائی قانونگذاری نمایند و مبادرت نمودن محاکم به این امر به لحاظ عدول قوه قضائیه از صلاحیت قانونی خود، مخل اصل تفکیک قوا محسوب و این امر نیز تهدید نظم قانونی کشور است. شاهد روشن این قضیه مستند رأی شماره ۴۰۶ مورخ ۷۸/۱۲/۲۲ هیأت محترم عمومی آن دیوان میباشد، که علیرغم منطوق اصل ۱۰۳ قانون اساسی که مقامات کشوری را ملزم به رعایت تصمیماتی نموده که شوراهای در حدود اختیارات خود اتخاذ می کنند و علیرغم نص اصل ۱۰۲ که شوراهای در ابتکار و پیشنهاد قانونگذاری در عرض قوه مقننه و مجریه قرار داده است، مصوبات شوراهای را در حکم تصویبنامه ها و آییننامه های دولتی برشمرده است.

۵- در خاتمه ضمن پوزش از تصدیق اوقات جنابعالی معروض می دارد:

این شورا ضمن تأکید بر حکومت اصل ۴ قانون اساسی بر اصول راجع به شوراهای (بویژه اصل ۷ و فصل ۷ قانون اساسی) و اصول راجع به صلاحیت های آن دیوان محترم و کلیه قوانین و مقررات دیگر، ابهامات خود را به عرض شورای محترم نگهبان رسانیده و استفسار نموده و رونوشت آنرا جهت استحضار ریاست محترم قوه قضائیه ارسال نموده است، تکلیف قانونی شوراهای شهری ضمن ماده ۸۰ قانون مربوط به تشکیلات و وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور ... معین شده است. ذیل این ماده مقرر نموده است:

((... نظریه این هیأت در صورتی که در جهت لغو مصوبات شورای شهرها باشد در صورت تأیید هیأت مرکزی حل اختلاف قطعی و لازم الاجراء خواهد بود.)) با دقت در این امر که اصل یکصدم قانون اساسی تعیین حدود وظایف و اختیارات شوراهای را بر عهده مجلس شورای اسلامی قرار داده است، لذا تأیید می فرمایند که شوراهای منجمله شورای اسلامی شهر تهران مکلف به رعایت ماده ۸۰ فوق الذکر می باشد. بنا براتب فوق چنانچه هیئت مرکزی حل اختلاف به استناد رأی شورای محترم نگهبان یا دادنامه صادره توسط هیئت عمومی دیوان عدالت اداری هریک از مصوبات این شورارا باطل نماید، رأی صادره از نظر این شورا قطعی و لازم الاجراء قلمداد می گردد. چنانچه قرار است این تکلیف قانونی از عهده این شورا ساقط گردد، علی الاصول یا شورای محترم نگهبان ضمن اعمال اختیارات حاصله از اصل ۹۸ قانون اساسی و از طریق تفسیر اصل یکصدم همان قانون، مسقط این حق قرار میگیرد و یا مجلس شورای اسلامی ضمن اعلام اختیارات ناشی از اصل ۷۳ قانون مزبور و از طریق تفسیر ماده ۸۰ سابق الذکر تکلیف این شورارا معین



تاریخ
شماره
پیوست

مینماید. تصویب قانون جدید در این خصوص علی القاعده باید باتوجه به منع معطوف نمودن قانون بمسابق صورت پذیرد تا دادنامه صادره توسط هیئت محترم دیوان عدالت اداری به آن ملحق گردد. در غیر این صورت این پرسش را با جنابعالی وقضات دانشمند هیأت عمومی دیوان عدالت در میان می نهد که آیا این شورا و به تبع آن شهرداری محترم تهران حق دارند بر خلاف تکالیف قانونی خود عمل نمایند؟

لذا مستدعی است دستور فرمایند مراتب ابطال مصوبه موضوع دادنامه شماره ۴۰۶ مورخ ۷۸ / ۱۲ / ۲۲ آن هیئت محترم از طریق هیئت مرکزی حل اختلاف موضوع ماده ۸۰ صدر الذکر به این شورا اعلاء گردد تا مراتب را به شهرداری محترم تهران جهت اجرا ابلاغ شود. این شورا خود را در جایگاه تقابل با هیچیک از مراجع قضائی ویژه هیئت عمومی دیوان عدالت اداری نمی بیند. اختلاف نظر حادث شده علی الاصول باید بین هیأت مرکزی حل اختلاف و هیأت محترم عمومی دیوان عدالت اداری طرح و نتیجه آن از طریق هیأت مرکزی حل اختلاف به این شورا ابلاغ گردد تا مراتب به شهرداری محترم تهران منعکس شود. مادام که چنین فرایندی طی نشود شورای اسلامی شهر تهران به تکالیف قانونی خود عمل می نماید.

شورای اسلامی شهر تهران